

مبانی حقوقی و اخلاقی دخالت وکیل در فرآیند دادرسی کیفری

محمد عندلیب^۱، دکتر حسین آقایی جنت مکان^{۲*}

۱. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۹)

چکیده

زمینه: وکالت از مهم‌ترین نهادهایی است که در فرآیند تحقق عدالت می‌تواند نقش سازنده‌ای داشته باشد. حضور وکیل در محاکمات قضایی، سبب تسهیل کشف حقیقت و پیشگیری از اجحاف و نقض حقوق شهروندان تا حد قابل توجهی خواهد شد. ضرورت و اهمیت حق دفاع، موجب شده است تا نظام های حقوقی و قضایی پیشرفته به دیده یک رکن مهم دادرسی منصفانه به آن بنگرند تا بسترهای لازم را برای وکلا، جهت ایفای بهتر رسالت خود، در تمام مراحل رسیدگی فراهم آورند. از این رو، حضور وکیل مدافع، در مراحل دادرسی، از حقوق مهم و اولیه متهمین بوده و با این اوصاف، وکالت در امور کیفری از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده است که مبانی حقوقی و اخلاقی دخالت وکیل در فرآیند دادرسی مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری: حضور وکیل در فرآیند دادرسی کیفری، بر مبانی حقوقی و اخلاقی، قابل توجیه است. مبانی حقوقی حق انتخاب وکیل در فرآیند دادرسی کیفری، دارای دو رویکرد عدالت محور و فایده گرایانه است. در (رویکرد عدالت محور)، مشارکت وکیل، دادرسی و محاکمه عادلانه متهم را تضمین می‌نماید. ولی بر اساس (رویکرد فایده گرایانه)، مشارکت وکیل در راستای؛ جلوگیری از انحراف دادرسی، پیشگیری از خودسری دست اندرکاران نظام عدالت کیفری، تسریع روند دادرسی و تأمین آزادی های مشروع، قابل توجیه است. اما مبانی اخلاقی حق انتخاب وکیل، در فرآیند دادرسی کیفری؛ در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی، تبعیض قائل نشدن بین وکالت‌های تعیینی و وکالت های معاضدتی و تسخیری، اظهار حقایق به موکل ضمن ارزیابی تخصصی موضوع و راز انگاری اظهارات موکل، قابل توجیه است.

کلیدواژه‌گان: مبانی اخلاقی انتخاب وکیل، دادرسی کیفری، دادرسی منصفانه، تضمین حق دفاع متهم

سر آغاز

وکالت، یک نهاد دیر آشنای دنیای حقوق است و از قدمتی همچون، قضاوت، داور، میانجیگری و مانند آن‌ها برخوردار است. امروزه به این نهاد، بیشتر به عنوان یک شغل و حرفه خاص نگریسته می‌شود. وکالت، شغلی است که در بسامانی و یا نابسامانی نظام حقوقی^۱ و قضائی هر کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. انتخاب وکیل، از حقوق قانونی افراد بوده و در مقررات مختلف، این حق برای عموم مردم به رسمیت شناخته شده و به استثنای اموری که منحصراً با مباشرت خود افراد انجام پذیرست، در سایر موارد، اشخاص اختیار توکیل و گرفتن وکیل برای انجام تمامی امور خود، از جمله امور حقوقی و قضایی، را داشته و بدون نص قانونی، نمی‌توان اشخاص را از حق مذکور، محروم یا اختیار آنان را محدود کرد (۱).

بنابراین داشتن وکیل، در کلیه مراحل رسیدگی و در کلیه دعاوی، اعم از کیفری و مدنی، به عنوان حق افراد در جهت اجرای عدالت^۲ محسوب می‌شود.

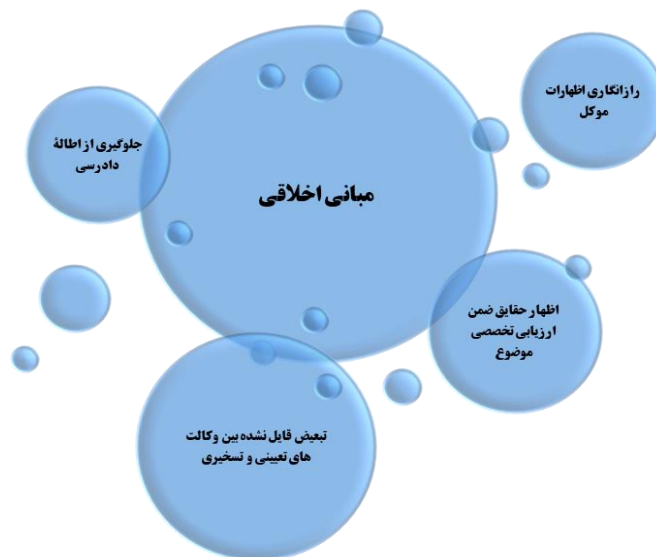
بدون تردید تمامی اشخاص از قوانین و مقررات کشور و مسایل و موضوعات فنی حقوقی و قضائی اطلاع و آگاهی نداشته و بر همین اساس نیز نمی‌توانند در دادگاه‌ها از خود دفاع کنند، به ویژه در پرونده‌ها و رسیدگی های کیفری که مقامات دادسرا از قبیل دادستان، دادیار و بازپرس از اطلاعات زیادی در زمینه کار و حرفه خود برخوردار هستند. لذا عدالت اقتضا می‌کند که متهمین با کمک اشخاص مطلع و حقوقدان، بتوانند از اتهامات وارده دفاع کنند.

از این رو حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم است که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیش از قوانین گذشته بر آن تأکید شده است؛ برای چرایی دخالت وکیل در فرآیندهای دادرسی‌های کیفری^۳، می‌توان آنرا از دو منظر حقوقی و اخلاقی بررسی کرد (۲). این پژوهش درصدد پاسخ گویی به این سوال است که؛ مبانی حقوقی و اخلاقی دخالت وکیل در فرآیند دادرسی کیفری چیست؟

مبانی اخلاقی^۴ دخالت وکیل، در فرآیند دادرسی کیفری

اخلاق در طول تاریخ همواره دستمایه شگرف اندیشمندان بوده است. اما آنچه در پی اندیشه در باب مباحث صرف عقلانی جلوه گر می شود فایده این مباحث است تا سبب پذیرش آن از سوی مخاطب گردد (۳). اخلاق یکی از بنیادی ترین مفاهیم در زندگی اجتماعی است و در مباحثی چون اخلاق در پزشکی، اخلاق حرفه ای، اخلاق پژوهش و ... حوزه هایی نام آشنا هستند. در همین بین، در حوزه اخلاق حرفه ای^۵، مراعات اصول و معیارهای اخلاقی در حوزه «وکالت» مطرح است که، امری لازم و ضروریست؛ این ضرورت در اساسنامه‌ها و میثاق نامه‌های اخلاقی^۶ حرفه وکالت، در سایر کشورها و ملل اسلامی و غیر اسلامی نیز اهمیتی جهان شمول دارد. این اصول و معیارهای اخلاقی در سایر مشاغل، از قبیل پزشکی، مهندسی، اداری، و غیره نیز مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است، از این رو با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه و رفیع «وکیل» در نظام جمهوری اسلامی ایران و جهان امروز، ارتباط وکیل با دستگاه قضا و موکل و رعایت حقوق شهروندی^۷ در جامعه، لزوم توجه و پایبندی به این حرفه را بیش از پیش، حساس تر نموده

است. هر چند در قواعد حقوقی و قانونی، در این زمینه اشاراتی شده است، اما نمی‌توان نیازمندی به اخلاق را در این عرصه انکار نمود (۴). وکیل در ارتباط با مراجعین و موکلین خویش از نظر حرفه‌ای دارای تکالیفی است (۵) که پشتیبان این تکالیف در وهله نخست، اخلاق است. در این جلوه از رابطه میان وکیل و موکل است که می‌توان از «**ضرورت رعایت اخلاق حرفه ای نسبت به موکل**» به مثابه «**حقی شهروندی برای موکل**» یاد کرد. به تعبیر دیگر، در مورد اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی در ارتباط با موکل، می‌توان اذعان داشت که رعایت اخلاق حرفه ای وکلاء در ارتباط با موکلین، به مثابه حقی شهروندی است که وکلاء باید آن را مورد توجه قرار دهند. در نتیجه در این قالب، موکل به عنوان یک شهروند، حق آن را دارد که وکیل در رابطه وکالتی خود با او، موازین اخلاقی حرفه‌ای را رعایت نموده و از این منظر، وی را به عنوان شهروندی از جامعه خود، مشمول موازین اخلاق حرفه‌ای بداند. برخی از اساسی ترین اصول اخلاقی که باید توسط وکیل رعایت شود در ادامه ارایه شده است (نگاره ۱).



نگاره ۱: مبانی اخلاقی دخالت وکیل، در فرآیند دادرسی کیفری

خود را طی کند. اگر وکیلی از ابتدا احساس می‌کند که حق با موکلش نیست، اگر پرونده را قبول نکند بهتر است و اگر در جریان دادرسی متوجه این موضوع شود باید به نحوی که حقوق موکل را تضییع نکند از تعقیب موضوع، منصرف شود (۶). ماده ۳۰ از منشور اخلاقی حرفه ای وکیل دادگستری نیز در این زمینه بیان می‌دارد: «وکیل نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای رد قاضی یا حکم یا طرف مقابل، یا به منظور تطویل دادرسی، به وسایل خدعه آمیز متوسل شود.» بنابراین، توسل وکیل به اقداماتی که به اطاله دادرسی منجر می شود در واقع، خلاف شأن وکالت بوده و از آن جایی که موجب ایجاد مشکلات و هزینه هایی برای سیستم قضایی می‌شود، مغایر با اخلاق حرفه‌ای یک وکیل، در برابر نظام قضایی خواهد بود.

- جلوگیری از اطاله دادرسی^۸

گاهی وکلاء در پرونده‌هایی که قبول می‌کنند، چون از لحاظ استدلالی و ماهیتی شانس در پرونده ندارند، مجبور می‌شوند با ایرادهای شکلی بی‌مورد، روال دادرسی را طولانی نموده و مانع رسیدن موقتی حق طرف مقابل شوند. دادگاه در این گونه موارد نیز بنا به حجم پرونده‌ها، ممکن است، مکرراً جلسه را تجدید نموده و وقت نظارت تعیین کند. در حقیقت این روش، دور از اخلاق و وجدان حرفه‌ای است که یک وکیل دادگستری، به صورت موقت، مانع رسیدن حق، به حق دار می شود. اخلاق حکم می‌کند که ایرادهای شکلی بی مورد، جهت تعویق در صدور رأی و تشویش ذهن دادگاه، ابراز نشود، تا دادرسی، روند عادی

داشته باشد، چرا که در غیر این صورت، موکلین از اظهار هر چیزی به وکلا، بیم به خود راه می‌دهند که این ممکن است در تخریب حرفه وکالت، تأثیرگذار باشد. اما از سوی دیگر، ممکن است در برخی پرونده ها و اظهارات موکل، مواردی وجود داشته باشد که وکیل از لحاظ اخلاقی، موظف به افشای آن است (۸).

برای مثال، چنانچه شخصی که به اتهام قتل، تحت محاکمه است به وکیلی مراجعه نموده و حقایق را به گونه‌ای وارونه جلوه دهد، اما در هنگام ختم دادرسی و صدور رأی به نفع وی، به دلایل متقن، احراز شود که وی، واقعیت را کتمان و حقیقتاً قاتل است، از یک سو، (اصل مجرمانه بودن افشاء آسرار)، اقتضاء می‌کند که وکیل، حقیقت را افشاء نماید و از سوی دیگر، (اخلاق) اقتضاء می‌کند که خون بی گناهی پایمال نشده و وکیل آنچه را که بعداً متوجه شده است افشاء نماید.

مبانی حقوقی^{۱۲} دخالت وکیل در فرآیند دادرسی کیفری

حقوق بر مبنای اصول اخلاقی استوار است و می‌توان گفت که حقوق برای اجرای اخلاق تدوین شده است تا کسانی را که قصد ترمد از اصول اخلاقی را دارند به اجرای اخلاق وادارد تا جامعه مبتنی بر اصول اخلاقی اداره شود. جنبه حقوقی موضوع، دارای دو رویکرد عدالت محور و فایده گراییانه بوده که در میان دکترین و اسناد بین‌المللی مطرح شده است. در (رویکرد عدالت محور)، مشارکت وکیل، محاکمه عادلانه متهم را تضمین می‌نماید. اما بر اساس (رویکرد فایده گراییانه)، یکی از راه‌های کاهش اشتباهات قضایی و اجرای دقیق قوانین و مقررات، که در برخی موارد دست اندرکاران نظام عدالت کیفری نیز از تفسیر و اجرای درست آنها عاجزند، حضور و مداخله وکیل، در فرآیند دادرسی است (۹).

همچنین، افزایش سطح دخالت متهم در فرآیند کیفری (۱۰) و (۱۱)، تسریع در روند دادرسی، کاهش اطاله دادرسی، تأمین آزادی‌های مشروع، جلوگیری از تجسس در حریم خصوصی اشخاص و پیشگیری از خودسری دست اندرکاران نظام عدالت کیفری، از دیگر دلایلی است که موجب توجه حق متهم، مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری می‌شود. بنابراین مبانی مداخله وکیل، در فرآیند دادرسی‌های کیفری، در اسناد جهانی حقوق بشری، همان پایه ها و علل موجه ساز حق استفاده از وکیل در دادسرا هستند؛ یعنی ریشه‌هایی که ضرورت و مشروعیت این حق را آشکار می‌سازند (۱۲)؛ لذا در ادامه مقاله به تحلیل و نقد و بررسی مبانی مذکور، پرداخته می‌شود (نگاره ۲).

– رویکرد عدالت محور^{۱۳}

برای بررسی میزان مطلوبیت هر موضوع یا هر فرآیند، از جمله قانون و قانون گذاری، به ناچار باید آن را با مقوله عدالت، ارزیابی کرد. عدالت در معنای عملی‌تر خود با مقوله‌ها و مفاهیم مشابه و هم خانواده‌ای مانند برابری، اخلاق، قانون، انصاف و آزادی در می‌آمیزد.

به طور کلی، مفهوم عدالت، از زمانی در ذهن آدمی پیدا شده است که پرسش زیستن در اندیشه‌ها راه یافت. یکی از اهداف تشکیل حکومت های دموکراتیک نیز، نیل به عدالت و آزادی‌های مشروع است. بدین ترتیب در این جوامع، افراد نیز مشمول محدودیت‌ها و اوامر و نواهی

– تبعیض^۹ قائل نشدن بین وکالت‌های (تعیینی) و (معاضدتی و تسخیری)

چنانچه در موردی قبول وکالت شد، وکیل می‌بایست نهایت تلاش و دقت خود را صرف نظر از امور مادی و حق الوکاله، به کار گیرد تا حق را بر جای خود بنشانند. وقتی یک وکیل، وکالت کسی را به طور (تعیینی) پذیرفت یا به عنوان وکیل (تسخیری و معاضدتی) فردی برگزیده شد، باید آن چه را در توان دارد بدون توجه به ملاحظات مختلف، در دفاع از موکل انجام دهد (۷).

برای نمونه، وکیل بایستی پرونده‌های معاضدتی قضایی و وکالت تسخیری که حسب مورد از طرف کانون و دادگاه‌ها، جهت دفاع از خواننده و متهم در حدود قانون و نظامات، به وی ارجاع می‌شود با رعایت همان اصول حرفه‌ای وکالت و بدون توجه به امور مادی و با علاقه مندی انجام دهد (بند ۲ ماده ۷۸ آئین نامه لایحه استقلال).

بنابراین، توجه به نوع وکالت و دل بستن به نتیجه مادی این موضوع، در بسیاری از موارد، بر میزان تلاش وکیل، برای دفاع از پرونده، تأثیر می‌گذارد، لذا عدم ملاحظه این موضوع، از نظر اخلاقی منجر به خیانت در امانت گشته و خارج از اصول و اخلاق حرفه‌ای یک وکیل می‌باشد.

– اظهار حقایق^{۱۰}، ضمن ارزیابی تخصصی موضوع

وظیفه اخلاقی و وجدانی بر وکیل حکم می‌کند که در موضوع ارجاعی به وی، ابتدا مشاوره سنجی نموده و چنانچه پرونده، راه حل حقوقی نداشت، حقیقت را به موکل خویش بیان نماید. در مواردی دیده شده است که بعضاً وکلاء با اینکه می‌دانند که پرونده راه حل قانونی نداشته و امکان تحصیل حکم در دادگاه، ضعیف بوده است، اما با (اصرار موکل) و یا احياناً به دلیل (کسب درآمد)، قبول پرونده نموده اند. هر چند از لحاظ حقوقی، تعهد یک وکیل از نوع تعهد به وسیله و انجام تکلیف است و هیچ گاه نتایج یک دادرسی را تضمین نمی‌کند، اما این در جایی صدق می‌کند که وکیل با مشاوره سنجی، نه تنها حق را با موکل خود می‌داند، بلکه احتمال قوی می‌بیند که می‌تواند حکم، له موکل تحصیل نماید و در این راستا همه تلاش خود را می‌نماید، اما به دلایلی موفق نمی‌شود (۶).

علی‌ایحال در جایی که امکان تحصیل حکم به نفع موکل، ضعیف است از لحاظ اخلاقی، قبول پرونده ناصواب بوده، حتی در جایی که پنداشته می‌شود حق به نفع موکل است و اصولاً دادگاه بایستی حکم به نفع او صادر نماید، در چنین وضعیتی باز هم بایستی احتمالات را در نظر گرفته و اثر هر یک را به موکل، گوشزد نماید. در واقع وکیل باید پیش از قبول وکالت، موضوع خواسته موکل را از نگاه داور، مورد رسیدگی قرار داده و چنانچه پی برد، موکلش راست می‌گوید، به دادخواهی او برخیزد.

– راز انگاری^{۱۱} اظهارات موکل

از دیگر اصول اخلاقی که وکیل موظف به رعایت آن است، رعایت اصل راز داری و محرمانه تلقی نمودن اظهارات موکل است. در واقع، وقتی شخصی به وکیل مراجعه می‌کند، این قدر بایستی به او اعتماد داشته باشد که بتواند حقایق را بازگو نماید تا انتظار خدمت حقوقی مناسبی

محدودیت یا سلب غیر قانونی و خودسرانه حقوق و آزادی‌های اساسی که از مهم‌ترین آن‌ها حق حمایت و آزادی اشخاص می‌باشد، پیش بینی شده است. بررسی معیارهای دادرسی عادلانه که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود، مبنای شناسایی نهادهای حقوقی متعدد از جمله وکالت است.

قانون قرار نمی‌گیرند، مگر با اعمال و اجرای مقررات قانونی در مراجع قضایی، که در آن مراجع، کلیه معیارهای دادرسی عادلانه، مدنظر قرار گرفته باشد. حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه، یکی از معیارهای حقوق بشری در سطح بین‌المللی بوده که به منظور حفاظت اشخاص از

رویکرد عدالت محور

- تضمین دادرسی عادلانه
- تضمین حق دفاع متهم
- تساوی سلاح‌ها
- فرض بی‌گناهی
- احترام به شان و کرامت انسانی

رویکرد فایده‌گرایانه

- پیشگیری از خودسری دست اندرکاران نظام عدالت کیفری
- تسریع روند دادرسی و تأمین آزادی‌های مشروع
- جلوگیری از انحراف دادرسی

نگاره ۲: مبانی حقوقی دخالت وکیل در فرآیند دادرسی کیفری

است. این موضوع در کشورهای در حال توسعه، که قوانین آن‌ها از شفافیت کمتری برخوردار بوده و شهروندان از سطح اطلاعات حقوقی پایینی برخوردارند، بیشتر جلوه می‌کند. از این رو، نمی‌توان همواره مطمئن بود که متهمان، وکلای مدافع خوبی برای خود باشند و به گونه‌ای صحیح، و منطبق با موازین حقوقی، از خود دفاع کنند (۶)؛ آن چه مسلم است اینکه به علت پیچ و خم‌های دادرسی و فنی و تخصصی بودن علم حقوق و آیین دادرسی کیفری، اشخاصی که با تکنیک‌های حقوق و روش‌های دادرسی، آشنایی کافی نداشته باشند، ممکن است مرتکب اشتباهات قضایی مؤثر شوند (۱۷)، برای اجتناب از چنین وضعیتی است که نظام عدالت کیفری، مکلف به پذیرش وکیل مدافع، برای متهم بوده و در صورتی که متهم توان انتخاب وکیل نداشته باشد، برای او وکیل تسخیری، انتخاب می‌نماید.

با این اوصاف، گرایش به تحلیل جنبه سری بودن تحقیقات مقدماتی و تقویت بعد ترافعی آن، امروزه عرصه مداخله وکیل مدافع را در این مرحله، به ویژه تحقیقات پلیسی، فراخ تر و بازتر کرده است. که این مهم خود معلول ضرورت مراعات حقوق دفاعی متهم، تلقی می‌شود. از این رو، شناخت حقوق مذکور و تفهیم آن‌ها به محض دستگیری و تحت نظر قرار دادن متهم، توسط ضابطان، جدای از اینک از آثار اصل براءت می‌باشد، از به اتهام کشیدن متهم، توسط خود، جلوگیری به عمل می‌آورد. اطلاع مؤثر و صریح متهم از این حقوق، بدون شک، منجر به رعایت اصل تساوی سلاح‌ها میان ضابطان دادگستری و متهم و حفظ حقوق او خواهد شد (۱۸).

گفتنی است، حقوق دفاعی را حکومت ایجاد نمی‌کند، بلکه این حقوق از آثار فرض بی‌گناهی اند. متهم از فرض بی‌گناهی، بهره‌مند بوده و امتیازهای پیش گفته، متعلق به اوست و نمی‌توان آن‌ها را از وی سلب کرد و حکومتی که چنین حقوقی را به رسمیت نشناسد یا آن‌ها را

تضمین دادرسی عادلانه^{۱۴}

دادرسی عادلانه شامل دو جزء است، جزء اول دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات، میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت‌دار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین در دعوای کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت‌دار» به کار رفته است. مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم دادرسی عادلانه در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» است (۱۳ و ۱۴).

اصلی‌ترین مبنای مداخله وکیل در فرآیند دادرسی کیفری، تضمین دادرسی عادلانه متهم است که این اصطلاح در برخی از اسناد حقوق بشری، به صراحت بدان اشاره شده است. به طوری که حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه به عنوان یکی از حقوق بنیادین، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ذکر شده است. مواردی همچون بی‌طرفی دادگاه، استقلال دادگاه، تضمین‌های پیش از محاکمه (تحقیقات پلیسی) و فرض بی‌گناهی، جزء مصداق‌های آن ذکر شده است. این برداشت از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با ظاهر ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حتی ماده ۱۴ میثاق، سازگار است. به موجب این تفسیر، حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه، جزء حقوق بنیادین بشر، محسوب می‌شود و دارای اجزای متعددی است. برخی از این اجزاء، متعلق به ساختار مراجع پلیسی، تحقیقاتی و قضایی و برخی دیگر در مورد تضمین‌های ناظر به حق دفاع متهم است (۱۵).

اصل تضمین حق دفاع متهم^{۱۵}

مهم‌ترین معیار تضمین حق دفاع متهم، پیش‌بینی حق انتخاب وکیل، برای وی، در قوانین کیفری شکلی است (۱۶)؛ در جوامع امروزی به دلیل وجود قوانین متنوع، اطلاع از همه قوانین موضوعه، کاری دشوار

رقیب، مطلع شوند تا بتوانند آن‌ها را مورد مناقشه قرار دهند، ایران در سال ۱۳۵۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب و در نتیجه به لحاظ حقوقی، ملزم به رعایت تضمین‌های مورد نظر یک دادرسی عادلانه است. با وجود آن که قانونگذار ایران، اصل تساوی سلاح‌ها را به عنوان یکی از مهم‌ترین لوازم دادرسی عادلانه در نظام کیفری ایران، به صراحت پیش‌بینی ننموده ولی با تأمل در مواد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به ویژه مواد ۲ و ۶ این قانون، مصادیق و جلوه‌های اصل تساوی سلاح‌ها و به طور کلی، شاخص‌های دادرسی منصفانه و رعایت آن‌ها، در دادرسی کیفری، قابل توجه است (۲۲).

بنابراین برای نیل به اصل تساوی سلاح‌ها، لازم است در برابر دست اندرکاران حرفه‌ای نظام عدالت کیفری به ویژه دادستان، که مجهز به علوم و فنون حقوقی است، متهم نیز از راهنمایی‌ها و دانش حقوقی افرادی که سال‌ها در مشاغل حقوقی، کسب تجربه کرده و به علوم و فنون حقوقی، آشنا هستند بهره مند شود.

فرض بی‌گناهی^{۱۷}

در فرض بی‌گناهی که می‌توان اصطلاح مترادف آن را «اصل برائت کیفری» نامید یکی از اصول راهبردی و حاکم بر حقوق کیفری است (۲۳)؛ همچنین می‌توان از «اصل برائت به عنوان «ام‌الاصول» در دادرسی کیفری، تعبیر کرد» (۲۴) و به عبارت دیگر «اصل برائت» یا «فرض بی‌گناهی» یکی از اصول بنیادین دادرسی‌های کیفری مدرن و میراث مشترک ملل مترقی جهان است (۲۵)؛ به تعبیر دیگر، اصل برائت، سنگ بنای دادرسی عادلانه و منصفانه به شمار رفته و در حال حاضر، تبدیل به یک هنجار ملی و بین‌المللی شده است. این اصل، بدین معناست که تا مجرمیت فرد به اثبات نرسیده باشد، وی باید هم چنان از حاکمیت اصل برائت بهره مند شود.

آن چه از معنای حقوقی فرد بی‌گناهی، در اصل برائت استنباط می‌شود این است که بی‌گناهی، عبارت است از بی‌گناه از آن چه قانون‌گذار جرم دانسته و فرد نسبت به آن، به هر شکلی و در چارچوب هر رویه‌ای، متهم شده است (۲۶).

نویسندگان حقوقی، مبانی اصل برائت یا فرض بی‌گناهی در حقوق کیفری را «کرامت ذاتی انسان»، «ضرورت ایجاد توازن بین طرفین دعوی»، «تضمین امنیت افراد جامعه»، «اصل قانونی بودن جرم‌ها و مجازات‌ها»، «اصل عدم»، «اصل اباحه»، «قاعده درأ»، «قاعده غلبه» و «قاعده ترجیح اشتباه در عفو، بر اشتباه در کیفر» دانسته‌اند (۲۷).

این اصل (اصل بی‌گناهی) را می‌توان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به شرح زیر یافت:

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)؛ بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی (۱۹۶۶)؛ بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۳)؛ بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)؛ شق ب بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقای حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱)؛ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)؛ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸)؛ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی

محدود کند، فرض بی‌گناهی را نقض کرده و به تبع آن به کرامت ذاتی آدمیان، تعرض کرده است. مواردی همچون جلوگیری از دسترسی متهم به پرونده، جلوگیری از حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و عدم تمهید امکانات مادی و معنوی، برای استفاده از تضمین‌های پیش‌بینی شده، خلاف فرض بی‌گناهی است (۱۹).

اقتضای دادرسی عادلانه و منصفانه در حقوق کیفری، در گرو رعایت حقوق دفاعی متهم می‌باشد، به نحوی که هرگونه تعدی و تجاوز ضابطان، به حقوق دفاعی متهم، سبب خدشه دار شدن دادرسی عادلانه می‌شود. بنابراین ضرورت دارد تا با ایجاد نظام دادرسی عدالت محور و شهروند محور، در مسیر تحقق هدف آرمانی عدالت، حرکت نماییم.

اصل تساوی سلاح‌ها^{۱۸}

اصل تساوی سلاح‌ها در فرآیند عدالت کیفری از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا در اغلب موارد، قدرت عمومی به حمایت از بزه دیده و جامعه برخاسته و تمامی توان خود را به کار می‌بندد تا اتهام را اثبات کند. در چنین مواردی، گرچه همواره این تردید وجود خواهد داشت که چگونه می‌توان سلاح‌های دو طرف رسیدگی (قدرت عمومی) و (متهم) را مساوی کرد، ولی با این وجود، تمام تلاش‌ها باید به کار گرفته شود تا از شدت این نابرابری ضروری و طبیعی، کاسته شود. (۲۰) اتهام معمولاً از طرف دادسرا (دادستان)، به متهم وارد می‌گردد. این نهاد، جزء قدرت حاکمه می‌باشد پس در یک دعوی جزایی، در یک سو، نهادی که دارای قوه اقتدار، امکانات و استفاده از زور است قرار دارد و در سوی دیگر، فرد متهم قرار می‌گیرد. در این جاست که اهمیت تحقق یک محاکمه عادلانه، که در آن متهم در وضعیت برابر با دادستان قرار داشته باشد تا بتواند در برابر آن‌ها از خود دفاع کند، بیش از پیش برجسته می‌گردد. (۲۱).

در نظام دادرسی‌های نوین، رعایت تساوی بین طرف‌های دعوا، فقط تکلیفی نیست که بر عهده مقام رسیدگی کننده نهاده شده، بلکه مقنن نیز به نوبه خود، مکلف به تصویب قوانین به گونه‌ای است که رعایت تساوی، بین حقوق طرف‌های دعوا را در ایجاد دادرسی عادلانه فراهم کند تا با ایجاد دادرسی عادلانه، گام‌های موثری در جهت احیای حقوق عامه و آرمان‌های عدالت خواهانه برداشته شود. روی همین موضوع است که در دعوی کیفری، به دلیل سپردن اختیار تعقیب متهم به دادستان، که بهره‌مند از امکانات دولتی و نیروی متخصص است، مانع جدی بر سر راه اعمال اصل تساوی سلاح‌ها و رعایت آن است. در چنین وضعی، اگر از متهم حمایت نشود، رهایی متهم از اتهام، در صورت بی‌گناهی دشوار خواهد بود.

عدالت دستگاه قضایی، متضمن این است که عملکرد و برخورد مرجع رسیدگی کننده، نسبت به (متهم) در یک طرف دعوی و (مقام تعقیب دعوی عمومی و شاکی) در طرف دیگر دعوی، برابر بوده و طرفین دعوی از فرصت و امکانات یکسان برای ارائه دلایل و مستندات خود برخوردار باشند. لذا در رسیدگی‌های کیفری، طرفین نزاع و اختلاف، بایستی در موقعیتی قرار گیرند که فرصت و امکان طرح آزادانه ادله و استدلال‌های خود را داشته باشند و از ادله، استدلال‌ها و ادعاهای

کیفری برای یوگسلاوی سابق؛ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری برای رواندا.

همچنین لازم به ذکر است که اصولاً تعقیب کیفری، برای تضمین دفاع از جامعه، پیش بینی شده و بالاخص در جرایم مهم، ممکن است متهمین در بازداشت بوده و توان جمع آوری و ارائه دلایل دفاعی را نداشته باشند. از این رو، بین (حقوق جامعه) و (حقوق متهم) که ممکن است به ناحق گرفتار چنگال عدالت شده باشند، تعارض به وجود آید. بنابراین به منظور ایجاد تعادل، بین حقوق (متهم) و (جامعه) لازم است که شخص ثالثی به عنوان وکیل، در فرآیند کیفری دخالت نموده و با آزادی کامل، بتواند دلایل و مدارک دفاعی را جمع آوری و ارائه نماید.

احترام به شأن و کرامت انسانی

امروزه اصول راهبردی حقوق کیفری و به ویژه، موازین انسان محور آیین دادرسی کیفری، در نظام حقوقی بسیاری از کشورها، از اعتباری هم شأن اصول قانون اساسی برخوردار است و قانونگذاران، با «اساسی» محسوب نمودن آن‌ها، راه را بر هرگونه نقض یا کم اثر نمودن آن‌ها، بسته‌اند (۲۸ و ۲۹) و اگر قواعد آیین دادرسی، ظالمانه و خودسرانه باشد و به دولت و مقامات اجرایی قانون، اجازه استفاده از شیوه‌ها و تدابیر خودسرانه و مستبدانه را بدهند، کارایی و مشروعیت سیاسی و اخلاقی خود را از دست خواهند داد (۳۰)؛ از این رو، از جمله موازین کرامت مدارانه آیین دادرسی کیفری، حق بر دادرسی عادلانه و لزوم برخوردار نمودن متهمان از حق وکالت و تضمین آن، توسط ضابطان دادگستری است.

با این اوصاف از آن جایی که مقررات آیین دادرسی کیفری و چگونگی عملکرد مراجع قضایی و ضابطان دادگستری، بیانگر حدود و قلمرو حقوق آزادی‌های شهروندان در جامعه است، احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها و رعایت حقوق و آزادی‌های آنان در بستر رسیدگی‌های کیفری، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و با ضمانت اجرای خاص خود، تأمین و تضمین می‌گردد (۱۸ و ۳۱).

در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب دولت ایران نیز رسیده است، کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها مورد تأکید قرار گرفته و مقررات حمایتی مختلفی در این خصوص پیش بینی گردیده است. در همه این کنوانسیون‌ها، حیثیت و کرامت ذاتی انسانی، محور و مبنای عدالت، آزادی، صلح و حقوق مساوی بشر، تلقی گردیده است (۳۲).

گفتنی است، اصل حاکمیت قانون، که خود مبتنی بر احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها و احترام به حقوق و آزادی‌های آن‌ها دارد، یکی از پایه‌های مهم آیین دادرسی کیفری به ویژه از حیث حق داشتن وکیل بوده که در فرآیند دادرسی کیفری قرار دارد.

رویکرد فایده گرایانه^{۱۸}

پیشگیری از خودسری دست اندرکاران نظام عدالت کیفری

اهمیت مداخله وکیل، به ویژه زمانی بیشتر ملموس‌تر است که توجه کنیم، وظیفه تأمین نظم و امنیت جامعه، بر عهده دولت گذاشته شده و عدم شناسایی مرتکب از نگاه عموم، بر بی‌کفایتی و ضعف سامانه عدالت

کیفری دلالت دارد و این عامل، باعث می‌شود که گاه متصدیان، به منظور کشف موضوع، به راه‌های غیر قانونی کشف دلیل، متوسل شوند. از طرف دیگر، تجربه‌های تلخ ناشی از کیفر شدن بی‌گناهیانی که فقط به منظور فرو نشاندن التهاب در جامعه از سوی صاحبان قدرت، مجازات می‌شدند، موجب تضعیف اعتماد عمومی به حاکمیت و به خطر افتادن مبانی هم زیستی اجتماعی گردیده، به گونه‌ای که حتی کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد، دسترسی و حضور وکیل مدافع را به عنوان راهبردی اساسی، در کاهش شکنجه در تحقیقات پیش از محاکمه، اعلام کرد (۶).

و البته افزایش سطح دخالت متهم در فرآیند کیفری، کاهش اطاله دادرسی، تأمین آزادی‌های مشروع، جلوگیری از تجسس در حریم خصوصی اشخاص و پیشگیری از خودسری دست اندرکاران نظام عدالت کیفری، از دیگر دلایلی است که موجب توجیه حق متهم، مبنی بر داشتن وکیل، در فرآیند کیفری می‌شود؛ همچنین افزون بر مبانی حقوق بشری، مداخله وکیل در دادرسی، الزامات بین‌المللی و ضرورت‌های عینی زندگی اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز نیز رعایت حقوق دفاعی متهم را الزام آور می‌سازد.

تسریع روند دادرسی و تأمین آزادی‌های مشروع

امروزه سرعت در دادرسی، به عنوان یکی از قواعد و اصول مسلم و مهم دادرسی بیان شده که حتی عدم رعایت آن به صحت و اقتدار رسیدگی خدشه وارد می‌کند. یکی از شرایط مهم بهره‌مندی از حق دادرسی عادلانه، رسیدگی به دعاوی، صدور حکم و اجرای آن در اسرع وقت است. اهمیت دادن، به زمان دادرسی نه تنها در رضایت خاطر اصحاب دعوی، مؤثر است، بلکه موجب می‌شود از لحاظ سیاسی، مردم به قوای حاکمه، اعتماد بیشتری کنند و با طیب نفس، رأی آن‌ها را بپذیرند (۳۳ و ۳۴).

اهمیت زمان در دادرسی، امروزه تا حدی است که آن را یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی می‌دانند. هنگامی که به ارزیابی کیفیت دادرسی پرداخته می‌شود، خود به خود، ارزش اقتصادی زمان، محل توجه قرار می‌گیرد. زمان در اقتصاد، به بازدهی و نابازدهی اعمال انجام شده توجه دارد و از کارایی و ناکارایی آن پرده بر می‌دارد. در این معنا، زمان، معیاری است برای قضاوت، نسبت به اثر بخش بودن یا نبودن اقدامات دادرسی و رأی حاصل از آن؛ و البته در حقیقت این برداشت، بیشتر ناظر به ارزش و قیمت خود زمان مصروف است تا نتیجه دادرسی (۳۴).

دادرسی کیفری، دارای مسائلی دقیق و دشواری است که احاطه بر آن‌ها برای اشخاص غیر حقوقدان به آسانی و سرعت میسر نمی‌شود. احاطه به شیوه تنظیم دادخواست شکایات و لوایح، انتخاب اسناد و سایر ادله، زمان و طریق ارائه ادله و استناد به آن‌ها، ارائه دفاعیات و همچنین اقدام لازم به ترتیب و طریق و در مهلتی که قانون پیش بینی می‌کند، لازمه اثبات و احقاق حق در دادرسی است و هر دعوا و شکایت یا دفاعی که بدون رعایت این موارد، مطرح شود، در اکثر موارد، دادرسی کیفری را به درازا کشانده و هزینه‌های زیادی بر خزانه عمومی و مدعی خصوصی،

تساوی سلاح‌ها، اصل تضمین حق دفاع متهم و احترام به شأن و کرامت انسانی، همگی توجیه‌گر مداخله وکیل هستند. ولی بر اساس رویکرد فایده‌گرایانه، مشارکت وکیل در راستای؛ جلوگیری از انحراف دادرسی، پیشگیری از خودسری دست اندرکاران نظام عدالت کیفری و تسریع روند دادرسی و تأمین آزادی‌های مشروع، قابل توجیه است. نتیجتاً اینکه مبانی اخلاقی حق انتخاب وکیل، در فرآیند دادرسی کیفری؛ در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی، تبعیض قائل نشدن بین وکالت‌های تعیینی و معاضدتی و تسخیری، بیان حقایق به موکل، ضمن ارزیابی تخصصی موضوع و راز انگاری اظهارات موکل، قابل توجیه است.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1.The legal system	نظام حقوقی
2.Justice	عدالت
3.The criminal trial process	فرآیند دادرسی کیفری
4.Ethical principle	مبانی اخلاقی
5.Professional ethics	اخلاق حرفه‌ای
6.Ethical Covenants	میثاق نامه‌های اخلاقی
7.Citizenship rights	حقوق شهروندی
8.Hearings	اطاله دادرسی
9.Discrimination	تبعیض
10.Telling the facts	اظهار حقایق
11.Enlightenment	رازانگاری
12.Legal Basics	مبانی حقوقی
13.Justice-centric approach	رویکرد عدالت محور
14.Fair judgement	دادرسی عادلانه
15.Accused defense right	حق دفاع متهم
16.Weapon Draws	تساوی سلاح‌ها
17.Assumption of innocence	فرض بی‌گناهی
18.Utopian approach	رویکرد فایده‌گرایانه
19.Deviation of hearing	انحراف دادرسی

References

- Mansouabadi A, Foroughi F. (2017). Code of criminal procedure. Tehran: The Legal Foundation of the Magazine. (In Persian).
- Ensafdaran MR. (2011). A comparative study of the professional duties of the lawyer. Tehran: Jungle Publications. (In Persian).
- Ahangari F. (2007). Backgrounds and foundations of ethics in iran and the world. Journal of Ethics in Science and Technology; 2(34). (In Persian).

تحویل می‌نماید (۵)؛ مضافاً می‌تواند موجب شود حقی که در ماهیت و در حالت ثبوتی وجود دارد، اثبات و احقاق نگردیده و در نتیجه، شخص بی‌حقی در دعوا، پیروز و متهم بی‌گناهی، گناهکار شناخته شود.

جلوگیری از انحراف دادرسی^{۱۹}

وکیل مدافع با حضور خود در جریان دادرسی، بر کیفیت مراحل آن نظارت کرده و با دانش حقوقی خود از انحراف شکایت، در جریان دادرسی جلوگیری می‌کند؛ در جریان یک دادرسی، احتمال لغزش و خطا، از طرف قضات، اصحاب دعوی و غیره وجود دارد؛ لذا حضور وکیلی قانونمند در روند دادرسی، می‌تواند تضمین مناسبی در جلوگیری از انحراف دادرسی، تلقی گردد و در کنار مقام قضا به مانند ابزار کنترل و نظارت بر دستگاه قضا، عمل کرده و با تحقق عدالت قضایی، از تضییع حقوق متهم و انحراف قضایی جلوگیری می‌کند (۳۵).

تحقیقات بسیاری صورت گرفته که ضریبی از خطا و اشتباه در صدور آرای کیفری را نشان داده است، کما اینکه دولت، که حافظ نظم عمومی است و در تقابل حفظ «نظم عمومی» با «حقوق فردی» افراد، موظف به رعایت تساوی و توازن میان آن دو می‌باشد.

بنابراین باید پذیرفت که یکی از راه‌های کاهش اشتباهات قضایی و اجرای دقیق مقررات، که در برخی موارد دست اندرکاران نظام عدالت کیفری نیز از تفسیرهای درست آن عاجز هستند، حضور و مداخله وکیل، در فرآیند دادرسی کیفری است.

نتیجه‌گیری

در امور کیفری، وکیل متهم، نقشی بیشتر از یک مشاور حقوقی برای ارائه اطلاعات از مفاد قوانین و فرآیند دادرسی دارد. در واقع، وکیل برای متهم، به ویژه متهمی که در اثر صدور یکی از قرارهای تأمین، ارتباط او با دیگران قطع شده و در بازداشت به سر می‌برد، یک حمایت روحی قوی به شمار می‌رود. این حمایت روحی، هنگامی که به درستی شکل می‌گیرد و تأثیرگذار می‌شود که وکیل از نظر اخلاقی، مورد اعتماد موکل بوده و آزادانه توسط او انتخاب شده باشد. این آزادی، مبین «حق بر انتخاب وکیل» است که این حق نیز خود از آثار و لوازم اصل مهم‌تری به نام «حق برخورداری از وکیل» محسوب می‌شود.

حق برخورداری از وکیل، به دلیل حضور و مداخله شخص ثالث، در فرآیند تحقیق و محاکمه، گاه با چالش‌ها و مقاومت‌هایی روبه‌رو می‌شود که اصل برخورداری از این حق را، تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این چالش‌ها و مقاومت‌ها، حق «انتخاب» وکیل، توسط خود متهم در جهت بهره‌مندی از اصل حق برخورداری از وکیل است. این حق، که در اسناد بین‌المللی، قانون اساسی و قوانین عادی کشورمان مورد پذیرش قرار گرفته، دارای آثار و مقتضیاتی است، لذا تحمیل محدودیت بر آن حق؛ تنها باید در صورت امتناع ذینفع، مورد پذیرش واقع شود.

مع الوصف، مبانی حقوقی حق انتخاب وکیل، در فرآیند دادرسی کیفری؛ دارای دو رویکرد (عدالت محور) و (فایده‌گرایانه) است. در رویکرد عدالت محور، مشارکت وکیل، تضمین‌کننده دادرسی و محاکمه عادلانه متهم است. در این راستا مفاهیمی چون فرض بی‌گناهی، اصل

21. Saghian MM. (2006). Equality of arms in the greater process of Iran and France. *Law Journal of Justice*; 56-57.
22. Keramatimoez H, Jafari J, Soltani T. (2017). Weapon equity in the criminal justice process of Iran and Kamen la with a look at international documents. *Journal of Law Studies*; 15. (In Persian).
23. Shamloo B. (2012). The principle of criminality in modern judicial systems, criminal science: a collection of articles in honor of Dr. Mohammad Ashouri. Tehran: Samt Publications. (In Persian).
24. Shams Natari ME. (2011). The principle of absurdity and its cases in criminal law, criminal sciences: A collection of articles in Honor of Dr. Mohammad Ashouri. Tehran: Samt Publications. (In Persian).
25. Janat Makan HA. (2017). Fair and fair trial law. Tehran: Jungle Publications. (In Persian).
26. Madi B. (2013). Examination of the scope of the european court of human rights' assumption of absurdity. *Journal of Criminal Law and Criminology Research*; 1.
27. Ghorbani A, Movahedi J. (2011). The principle of jurisprudence in jurisprudential thoughts and the presumption of innocence in european thoughts. *Journal of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law*; 26.
28. Najafi AH. (2015). An introduction to the fundamentalization of criminal law in the progress of public law: proceedings of a series of recent public law meetings, by Dr. Ali Akbar Gorji Azandriani. Tehran: Jungle Publications. (In Persian).
29. Heidarpoor HR. (2012). Basic process of criminal law strategic principles. [MA Thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian).
30. Shakeri T. (2006). Islamic criminal policy. Tehran: Islamic Culture Publication Office. (In Persian).
31. Ghomashi S. (2014). Human dignity and its role in criminalization. Tehran: The Legal Foundation of Mizan. (In Persian).
32. Shourdeli BY, Astaneh LR. (2013). A comparative approach to compensation for the convicted of the innocent: from fact to fact. *The Law Journal of Justice*; 82. (In Persian).
33. Sohrabi SY. (2014). The principle of speed in fair trial. [MA Thesis]. Tehran: University of Tehran. (In Persian).
34. Mohseni H. (2018). Bureau of civil procedure based on collaboration and principles of procedure. Tehran: Publishing Joint Stock Company. (In Persian).
35. Khazae M. (1998). The criminal process, proceedings. Tehran: Ganj Danesh Publications. (In Persian).
36. Usefi Mahaleh E. (2007). Professional ethics between courts. *Journal of Ethics in Science and Technology*; 3(3,4). (In Persian).
4. Darizin H. (2017). The professional ethics of the lawyer in Iran. Tehran: Behnami Publications. (In Persian).
5. Ghazanfari AA (2011). An introduction to professional ethics in law. *Journal of Ethics in Science and Technology*; 6(2). (In Persian).
6. Salimian A, Ahmadian S. (2015). Advocacy and the right to attorney at law. Tehran: Majd Publishing. (In Persian).
7. Fazaeli M, Malaek E. (2015). The right to have a lawyer in islam and international human rights with emphasis on the preliminary investigation stage. *Journal of Comparative Research in Islamic and Western Law*; 2(3). (In Persian).
8. Mostafavi SMH. (2014). Investigating the position of ethics in citizens' advocacy institution and paying attention to its correct implementation by related institutions. Yazd: 1st National Conference on Law, Ethics and Jurisprudence. (In Persian).
9. Akhundi M. (2015). Identifying criminal procedure, fourth bureau. Tehran: Foresight Publishing. (In Persian).
10. Khaleghi A. (2018). The right to choose a lawyer, encyclopedia of criminal sciences: forensic science. third book. Tehran: Law Foundation of Mizan. (In Persian).
11. Eftekharijahromi G. (2013). The right of defendants to use a lawyer in the criminal procedure code, criminal encyclopedia of drugs. Tehran: Law Foundation of Mizan. (In Persian).
12. Seifi D, Mahdipur M. (2014). From Basic justice to utility - the theoretical basis of lawyer's intervention in criminal proceedings in international documents. Yazd: 1st National Conference on Law, Ethics and Jurisprudence. (In Persian).
13. Fazaeli M. (2018). Fair trial of international criminal trials. Tehran: Shahr Danesh Publications. (In Persian).
14. Javanmard B. (2014). The criminal proceedings process. Tehran: Jungle Publications. (In Persian).
15. Ghorbannia N. (2002). Legal justice. Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian).
16. Juibari RG. (2017). Criminal procedure. Tehran: Jungle Publications. (In Persian).
17. Gholamloo J, Farajiha M. (2014). Conviction of the innocents: from judicial error to real innocence. *Journal of Criminal Law Research*; 3(8). (In Persian).
18. Rajabi TE. (2019). The right to access a lawyer in police investigation. Tehran: Majd Publishing. (In Persian).
19. Farahbakhsh M. (2006). Defenses and principles of defendant's defense rights. *Law Journal of Justice*; 56-57. (In Persian).
20. Hodavand M, Aghaetough M. (2016). Supreme administrative courts in iran's high court of justice and study. Tehran: Khorsandi Publication. (In Persian).